

رئیس رسانه ملی با صدور پیامی درگذشت هنرمند انقلابی زنده‌یاد مصطفی واحدی و دو فعال فرهنگی و هنری همراش مریم‌السادات میرحسینی ومحمدضاعبادیانی را تسلیت گفت. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، متن پیام تسلیت دکتر پیمان جلیلی بدین شرح است: انالله و انا الیه راجعون. عروج مصطفی واحدی رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی شاهرود و دو فعال فرهنگی

رئیس رسانه ملی

در پیام تسلیتی تأکید کرد

#### مصطفی واحدی

#### ستون محکم جبهه فرهنگی

#### انقلاب در سمنان بود

### رئیس سازمان صداوسیما در آستانه «ایران جان» آذربایجان شرقی عنوان کرد

# رسانه ملی صدای همه آحاد جامعه



رئیس سازمان صداوسیما با تأکید بر این‌که رسانه ملی در شرایط حساس کشور وظیفه هدایت افکار عمومی در مسیر وحدت و انسجام ملی را بر عهده دارد، گفت: رویداد «ایران جان» فرصتی برای معرفی ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و گردشگری آذربایجان شرقی و همچنین طرح مطالبات مردم این استان از تربیون رسانه ملی است.

به‌گزارش روابط عمومی رسانه ملی، دکتر پیمان جلیلی عصر دوشنبه ۱۶ شهریورماه در دیدار و نشست مشترک با استاندار، شهردار و اعضای مجمع نمایندگان استان آذربایجان شرقی در سازمان صداوسیما، با اشاره به جایگاه این استان در برنامه‌های رسانه ملی اظهار کرد: در هفته ایران جان، آذربایجان شرقی در شبکه خبر و برنامه‌های شاخصی همچون «گفت‌وگوی ویژه خبری» و «صف اول» مورد توجه قرار می‌گیرد و تمام شبکه‌های تلویزیونی نیز خود را موظف می‌دانند با انعطاف و متناسب با ظرفیت‌های استان، تولید محتوا داشته باشند. وی با اشاره به شرایط حساس کشور گفت:

در حساس‌ترین دوره تاریخ معاصر کوشیدیم با نگاه همه‌جانبه به وقایع و رویدادها، جهت‌دهی افکار عمومی را به‌سوی اتحاد و همبستگی ملی پیش ببریم. وی شبکه خبر را یکی از مهم‌ترین

و هنری همراش سرکار خانم مریم‌السادات میرحسینی و محمدرضا عبادیانی موجب تأثر و تألم گردید. جناب آقای مصطفی واحدی عزیز ازجمله فعالان دغدغه‌مند در میدان فرهنگ و هنر انقلاب اسلامی بود. ستون محکم جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در استان سمنان و شهرستان شاهرود، مهربان و پرانگیزه، جهادی و کاربلد، اهل فکر و فرهنگ و پیرو راستین منویات قائد شهید



ارکان رسانه‌ای کشور در جنگ‌های اخیر دانست و گفت: شبکه خبر که با اطلاع‌رسانی سریع و دقیق در جنگ‌های اخیر چندماه است که عنوان پربریننده‌ترین شبکه تلویزیونی را به‌خود اختصاص داده، تلاش کرده همواره در آمادگی و هوشیاری کامل باشد. رئیس رسانه ملی با تأکید بر این‌که

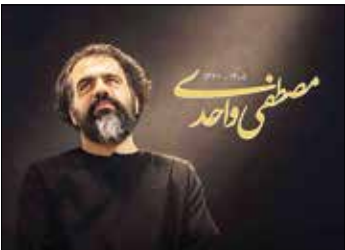
صداوسیما در معرض نگاه و قضاوت میلیون‌ها ایرانی با دیدگاه‌ها و سلیاق مختلف قرار دارد، تصریح کرد: رسانه ملی خود را موظف می‌داند صدای همه آحاد ایران باشد. در شرایط بحرانی، رسالت اصلی صداوسیما تزریق آرامش و تحکیم انسجام داخلی است؛ به‌طوری‌که ضمن جلوگیری از سایه‌افکندن روایت‌های ضعف بر فضای جامعه، روایت اقتدار سرلوحه کار قرار گرفته و دیدگاه‌های وحدت‌آفرین نیز با جدیت منعکس شود. وی مهم‌ترین ماموریت رسانه ملی را تبیین دیدگاه‌های مختلف و روایت اقتدار، انسجام و یکپارچگی ایران برای مردم و جهان عنوان کرد و ضمن آن‌که

صدوسیما را «اتاق شیشه‌ای» توصیف کرد، گفت: رسانه ملی باید

با شفافیت، روایت اقتدار ایران را به جامعه منتقل کند و ضمن انعکاس نگرش‌ها و سلیاق گوناگون، وحدت و انسجام ملی را مورد توجه قرار دهد. دکتر جلیلی مهم‌ترین ماموریت رسانه ملی را ترسیم دیدگاه‌های گوناگون و روایتگری اتحاد و یکپارچگی ملت برای ایران و جهان دانست و با توصیف صداوسیما به‌عنوان یک اتاق شیشه‌ای، گفت: رسانه ملی در تلاش است با شفافیت تمام، تصویر اقتدار ایران را به جامعه منعکس کند و ضمن بازتاب دیدگاه‌های مختلف، بر تقویت انسجام و وفاق ملی تمرکز داشته باشد. رئیس سازمان صداوسیما درباره برگزاری دهمین رویداد ایران جان گفت: مفتخریم که در این دوره در خدمت نمایندگان و مردم استان آذربایجان شرقی هستیم. پویش ایران جان در راستای اجرای شعار هویت‌محوری و عدالت‌گستری شکل گرفته است

و بر همین اساس سندی تهیه شده که اهتمام داشته‌ایم طی سال‌های گذشته به اجرای آن وفادار باشیم. دکتر جلیلی با اشاره

به‌شمار می‌رفت که آینده‌ای درخشان برایش متصور بودیم. لکن در برابر تقدیر الهی چاره‌ای جز رضا و تسلیم نیست. این مصیبت دردناک را به فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی استان سمنان، خانواده‌های داغدار و همه دوستان‌شان تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال برای آنان رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و آرامش مسألت دارم./ **پیمان جلیلی رئیس سازمان صداوسیما**



به وقفه ایجادشده در برگزاری این پویش به‌دلیل جنگ ۱۲روزه و جنگ تحمیلی سوم گفت: پس از این وقفه، بلافاصله پویش را دنبال کردیم. مراکز صداوسیما نیز با تولیدات و محتواهای ارزشمندی که برای این رویداد آماده کرده بودند، ظرفیت بالای خود را برای معرفی استان‌ها به نمایش گذاشتند. وی از رویداد «ایران جان» در استان قزوین هم سخن گفت و اظهار کرد: این رویداد با ثبت جهانی الموت توسط یونسکو پیوند خورد و فرصت مناسبی برای معرفی ظرفیت‌های این استان فراهم کرد. رئیس رسانه ملی آذربایجان شرقی را استانی برخوردار از ظرفیت‌های گسترده فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دانست و گفت: این استان بستر مناسبی برای تولید برنامه‌ها و آثار مختلف تلویزیونی و رادیویی دارد. در طول یک هفته، شبکه‌های سراسری و استانی بر معرفی ظرفیت‌های آذربایجان شرقی تمرکز خواهند کرد و معرفی جاذبه‌های گردشگری، معادن، ذخایر فرهنگی، تمدنی و ادبی استان، در کنار طرح مطالبات مردم و چالش‌های پیش‌روی آنها، فرصت مناسبی برای آشنایی مخاطبان رسانه ملی با این استان فراهم خواهد کرد. وی در خاتمه ابراز امیدواری کرد رویداد ایران جان به فرصتی برای جهش و ارتقای آذربایجان شرقی تبدیل شود.

#### تأکید بر ضرورت بازنمایی ظرفیت‌ها و مطالبات مردم

بیت‌الله عبداللهی، رئیس مجمع نمایندگان استان آذربایجان شرقی با تأکید بر ضرورت بازنمایی مشکلات و مطالبات مردم آذربایجان شرقی روی آنتن رسانه ملی، بر اهمیت وحدت و انسجام قومی و ملی تأکید کرد و ضمن آن‌که خواستار توجه بیشتر رسانه ملی به این ظرفیت‌ها، ایجاد و ارتقای جذابیت محتوایی برنامه‌های مربوط به استان و ارائه تصویری دقیق از عملکرد نمایندگان مجلس را ضروری دانست. بهرام سرمست، استاندار آذربایجان شرقی نیز با اشاره به رویکرد مشترک نمایندگان در برنامه ایران جان گفت: باید از نگاه تهدیدمحور فاصله گرفت و از این فرصت برای نشان دادن اشتراکات، ایجاد همدلی و تبدیل موقعیت‌ها به فرصت استفاده کرد. آذربایجان دروازه تجدد بوده و در تحولات بنیادین تاریخی کشور نقش داشته است. این استان در عین جست‌وجوی هویت خود، همواره تلاش کرده آن را با هویت ملی پیوند بزند و باید این تکتور تنوع را به رسمیت شناخت.

مکت

از نمای نزدیک

ر د شدن از لایه‌لای نمایشگاهی از آثار برج‌مانده از دو جنگ تحمیلی صهیونی – آمریکایی و رسیدن به امید و تحول، درست مثل دیدن نور در انتهای تونلی است که شاید این روزها رسانه‌های معاند و عوامل داخلی‌شان تلاش می‌کنند آن را تاریک جلوه دهند. اما خوب که نگاه می‌کنی، می‌بینی عصاره خون شهدای رسانه ملی و صدای ماندگار حقیقت ـ که نمونه‌اش را در نبرد ۱۲روزه با صدای سحر آمami شناختیم ـ اینجا به بار نشسته است. بخشی از این نمایشگاه که می‌توان آن را از مصادیق بارز تحقق تحول و سند مرتبط با آن دانست، به روی ریل افتادن دو ابرپروژه رسانه ملی اختصاص دارد. مجموعه‌های عظیم «سلمان فارسی» و «حضرت موسی (ع)» دو اثری هستند که در این چند سال به‌صورت ویژه شتاب گرفته‌اند و آن‌طور که راوی نمایشگاه روایت تحول می‌گوید، امسال به آنتن و مرحله پخش خواهند رسید. در این رویداد، معاونت‌های گوناگون رسانه ملی برایپای‌گرفته‌های اختصاصی وباتکا به داده‌نماها، فایل‌های تصویری و مستندات میدانی، فرآیند تحول در حوزه‌های مأموریتی خود را گام‌به‌گام تشریح کرده‌اند؛ مسیری که از آسیب‌شناسی وضع موجود و طراحی راهبردی آغاز شده، با تعیین اولویته‌ها و تدوین برنامه‌های عملیاتی ادامه یافته و سرانجام به اجرای بیش از ۹۵۰ اقدام تحولی و تحقق «۳۰ دستاورد شاخص در حوزه‌های فنی، محتوایی، ساختاری و رفاهی انجامیده است. نمایشگاه «روایت تحول» در عین مرور کارنامه پنج‌ساله، افق‌های پیش‌روی سازمان تا چشم‌انداز ۱۴۱۰ را نیز ترسیم می‌کند؛ رویدادی که در دو محور راهبردی «هویت‌محوری» و «عدالت‌گستری» (برگرفته از سند تحول رسانه ملی) شکل گرفته و به تعبیر مسئولان سازمان، نه یک پایان، بلکه آغاز مسیری مستمر برای تداوم پویایی در رسانه ملی است. معاونت‌های مختلف رسانه ملی تمام تلاش‌شان را به کار بسته‌اند تا زحمات تکتک اهالی سازمان صداوسیما را در این مسیر، روی ویدئووال‌های سالن خورشید به نمایش بگذارند؛ تحولی که به باور دست‌اندرکاران، تازه ابتدای راه است و باید افق‌های بلندتری را برای آن متصور شد. شایان ذکر است مدیرعامل و همکاران موسسه و روزنامه جام جم نیز طی بازدید از این نمایشگاه، از نزدیک در جریان دستاوردها و روند تحولی رسانه ملی قرار گرفتند.

ویژه

رئیس مرکز طرح و برنامه و بودجه صداوسیما در گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه «جام‌جم» تبیین کرد

پنج شاخص برای سنجش دستاوردهای تحول

نهم که می‌گوید سازمان را باید بازپیریایی کنی تا بتوانی آن راهبردها را اجرایی کنی، در اولویت قرار بگیرد.

مدل الگوی صداوسیما برای بازمهندسی

مظفری ادامه داد: ما یک الگو درست کردیم بین مدل‌های مختلف بازمهندسی و بازبینی سازمانی؛ مدلی که بعد از بومی شدن به «مدل الگوی صداوسیما» شناخته شد. در این الگو ما باید طراحی راهبردی انجام می‌دادیم؛ یعنی تبدیل آن گزاره‌های کلان به راهبردهای عملیاتی متناسب با حوزه‌های مختلف و نگاشت نهادی آن و تدوین اسناد راهبردی حوزه‌ها که این اتفاق در سال اول محقق شد.

وی در ادامه اظهار کرد: بعد از آن، یک اداره کل دیگر شکل دادیم برای این‌که بتوانیم طبق مدل، این طراحی راهبردی را به تغییرات رویکرد تبدیل کنیم، به‌عنوان «نوآوری و فناوری نرم» که شروع کرد یک سری الگوهای نرم را از نظر فناوری‌های رسانه‌ای هم مطالعه کند و هم به‌صورت داخلی شناسایی و شناسنامه‌دار کند. با اندیشکده‌ها ارتباط گرفت، اندیشه‌ورزی را آورد و ابتدای رنجیره طراحی و طراحی عملیات رسانه‌ای و زیست‌بوم جدید مراکز سازمان قرارداد.



نمایشگاه روایت تحول رسانه ملی با محوریت بازخوانی و تبیین دستاوردهای پنج‌ساله دوره تحول سازمان صداوسیما از دوم شهریورماه در محل مرکز همایش‌های بین‌المللی صداوسیما گشایش یافته و میزبان بازدیدکنندگان از داخل و خارج رسانه ملی است.

شاهد مظفری، رئیس مرکز طرح، برنامه و بودجه صداوسیما، در حاشیه این نمایشگاه در گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه جام‌جم با اشاره به این‌که سند تحول، سند سیاستگذاری است که راهبردهای کلان دوره تحول پنج‌ساله بر پایه آن شکل گرفته، از طراحی الگویی به نام الگوی صداوسیما برای بازپیریایی سازمان خبر داد و اظهار کرد که اجرای تحول در قالب شش جزء از طراحی راهبردی و تغییر رویکردها تا بازآرایی ساختار و تشکیلات، اصلاح منابع (با شکل‌گیری ۲۷ تفاهم‌نامه جامع و ۱۱۴ تولید فاخر)، پویش‌هایی مانند نه به تصادف و دو درجه کمتر و فرهنگ‌سازی سازمانی پیش‌رفته است. وی مجموع ۹۵ اقدام تحولی را گزارش شده دانست که پس از ارزیابی به ۳۸۹ دستاورد و سپس ۲۰ دستاورد اصلی، اساس شکل‌گیری نمایشگاه، رسید و اعلام کرد: روند مخاطبان سازمان که تا سال ۱۴۰۲ نزولی بود، از آن سال به صعودی تبدیل شده و براساس آخرین آمار مرکز تحقیقات به حدود ۲۹ درصد رسیده است. مظفری همچنین با اشاره به شاخص‌های پنجگانه ارزیابی دستاوردها (بدیع بودن، نوآوری، سنجیت‌با سند تحول، شمولیت سازمانی و دامنه اثر)، احیای پروژه‌های فاخر سلمان و موسی پس از ۲۷ سال راکد بودن و ساخت استودیویی را که در غرب آسیا اول و در جهان جزو پنج‌تای نخست است از مصادیق برجسته این دستاوردها برشمرد و از اجرای روش دلفی برای ارزیابی نهایی با حضور نخبگان و مدیران ارشد خبر داد. رئیس مرکز طرح، برنامه و بودجه صداوسیما در تشریح سند تحول رسانه ملی گفت: در سازمان صداوسیما یک سند تحولی طراحی شد و این سند مبنای دوره تحول پنج سال گذشته قرار گرفت. این سند تحول، سند سیاستگذاری با ضریب مشخص است و در واقع سطح آن، سطح خط‌گذاری و راهبردهای کلان برای اجرایی شدن تحول است. وی افزود: مرکز طرح، برنامه و بودجه، به‌نوعی موتور حرکتی برای تبدیل این راهبردها و نگاه کلان

سیاستی به مسیر اجرایی‌شان بود؛ در نتیجه ما راهبردی را انتخاب کردیم که قید می‌کند سازمان باید برای اجرای راهبردها آماده باشد؛ یعنی برای این‌که همه راهبردهای تحولی اجرا بشود، لازم بود این راهبرد

جام جم

رسانه

MEDIA

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵

شماره ۷۴۱۲

#### یادداشت

محمد رحمانی | تاریخ بیزوه

#### صدایی برای شنیدن

#### یامانعی برای حذف؟

نقد زمانی ارزشمند است که بر پایه دانش، تجربه و شناخت واقعیت‌های موجود صورت‌گیرد. آرمان‌گرایی اگر از واقع‌گرایی جدا شود، به خیال‌پردازی می‌انجامد و واقع‌گرایی اگر از افق‌های آرمانی تهی گردد، به محافظه‌کاری و سکون ختم می‌شود. نقاد موفق کسی است که این دورا در کنار یکدیگر بنشانند و هم وضع مطلوب را ببیند و هم محدودیت‌ها و امکانات موجود را بشناسد. این شیوه مواجهه با آرا و عملکرد دیگران، حتی در سنت علمی و فقهی ما نیز سابقه‌ای دیرینه دارد.

در حوزه‌های علمی، نقد نظر فقیه یا مجتهدی دیگر نه‌تنها امری مذموم تلقی نمی‌شد بلکه بخشی از پویایی علمی به‌شمار می‌رفت. تاریخ فقه امامیه سرشار از نمونه‌هایی است که در آن شاکرد بر دیدگاه استاد نقد نوشته و نظریه او را به چالش کشیده اما این اختلاف‌نظرها در چارچوب ادب علمی، استدلال و احترام متقابل جریان داشته است. هدف از چنین نقدی، غلبه بر رقیب نبود بلکه کشف حقیقت و ارتقای دانش بود.

بر همین اساس، درباره سازمان بزرگ و اثرگذاری چون صداوسیما نیز می‌توان نقدهای فراوانی مطرح کرد. هیچ نهاد بزرگی از خطا و کاستی مصون نیست و اتفاقا اهمیت و گستره تاثیرگذاری این سازمان، ضرورت نقد عملکرد آن را دوچندان می‌کند اما پرسش اصلی آن است که آیا آنچه این روزها تحت عنوان «نقد صداوسیما» مطرح می‌شود واقعا جنس نقد است؟ آیا هدف آن اصلاح، پیشرفت و ارتقای عملکرد رسانه ملی است یا آن‌که با پدیده‌ای دیگر مواجهیم که تنها لباس نقد بر تن کرده؟

واقعیت این است که بخشی از آنچه امروز در فضای رسانه‌ای و سیاسی مشاهده می‌شود، نه نقد عملکرد یک سازمان بلکه تلاش برای بی‌اعتبارسازی کلیت آن است. در این رویکرد، نه میان ضعف و قوت تفکیکی صورت می‌گیرد، نه دستاوردی به‌رسمیت شناخته می‌شود و نه راه‌حلی برای اصلاح ارائه می‌گردد. همه چیز به سیاه‌ترین شکل ممکن ترسیم می‌شود تا در نهایت این گزاره القا شود که هیچ نقطه مثبتی وجود ندارد و هیچ دستاوردی قابل دفاع نیست.

چنین مواجهه‌ای اگرچه ممکن است نام نقد را یدک بکشد اما در حقیقت به تخریب نزدیک‌تر است تا نقد. زیرا نقد خواهان اصلاح است، حال آن‌که تخریب در پی حذف است. نقد دنبال ارتقای یک نهاد است و تخریب در پی بی‌اعتبار کردن آن. نقد برای ساختن سخن می‌گوید و تخریب برای ویران کردن.

انگیزه‌های این رویکرد نیز چندان پنهان نیست. در بسیاری موارد، مسأله نه اصلاح یک مجموعه بلکه رقابت برای تصاحب جایگاه‌های قدرت و نفوذ در رسانه رسمی کشور است. هنگامی که نقد از مدار خیرخواهی خارج شود و به ابزاری برای تسویه‌حساب‌های سیاسی تبدیل گردد، دیگر نمی‌توان از آن انتظار اصلاح داشت.

جای تأسف است که در فضای سیاسی ماگاه انتقام‌گیری جای نقد، فحاشی جای استدلال و تخریب جای گفت‌وگو را گرفته! در چنین شرایطی، خروجی این فرآیند نه ارتقای رسانه ملی است و نه شکل‌گیری گفت‌وگویی سازنده درباره آینده آن. محصول نهایی، افزایش شکاف‌ها، تضعیف اعتماد عمومی و فرسایش سرمایه‌های نهادی کشور خواهد بود.

رسانه ملی مانند هر نهاد مهم دیگر، بیش از هر زمان دیگری به نقد نیاز دارد اما نقدی که از سر دلسوزی باشد، بر واقعیت تکیه کند، دستاوردها را ببیند، ضعف‌ها را پنهان نکند و در نهایت راهی برای بهتر شدن پیش پای مخاطب و مدیران بگذارد. آنچه یک نهاد را اصلاح می‌کند نقد است، نه تخریب و آنچه آینده را می‌سازد گفت‌وگوست، نه تسویه‌حساب.

نکته قابل تأمل آن است که بخشی از این مدعیان

نقد، خود بیش از هر کس دیگری از فقدان تکتور و انحصارگرایی در عرصه رسانه سخن می‌گویند اما

در عمل کمترین تحمل را نسبت به حضور صداها و

سلاقی متفاوت از خود نشان می‌دهند. مسأله آنان

نه گسترش میدان گفت‌وگو بلکه جابه‌جایی صاحبان

تربییون است، نه شکستن انحصار بلکه انتقال

انحصار از یک جریان به جریان دیگر.

این نگاه خواه ناخواه به‌نوعی سانتالیسم فکری و سیاسی می‌انجامد؛ نگرشی که حقیقت را در انحصار خود می‌بیند و هر صدای متفاوتی را نه رقیبی برای گفت‌وگو بلکه مانعی برای حذف تلقی می‌کند. در چنین فضایی، مرز میان نقد و تکفیر روزبه‌روز باریک‌تر می‌شود. مخالف فکری به‌جای آن‌که شنیده شود، متهم می‌شود و به‌جای آن‌که با استدلال پاسخ بگیرد،

از دایره مشروعیت رانده می‌گردد.

جامعه‌ای که در آن جریان‌های سیاسی و رسانه‌ای نتواند برای رقیب خود حقی در بیان و حضور قائل شود، دیر یا زود به بن‌بست گفت‌وگو خواهد رسید.